



---

## The Cultural Jurisprudence\*

Seyed Mohammad Razi Assef Agah (Hosseini eshkouri)<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Philosophy of Jurisprudence and Law Department,  
Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.  
Email: m.asefagah@isca.ac.ir

\* This article is based on findings from the ongoing research project titled  
'The Ideal Structure of Islamic Jurisprudence' at the Islamic Sciences and  
Culture Academy.

### Abstract

Jurisprudence of culture, as one of the four major areas of jurisprudence, along with social jurisprudence, political jurisprudence, and economic jurisprudence, studies the interaction between religious rulings and cultural phenomena. This field, using the principles of ijtehad, is trying to provide a systematic framework for analyzing and regulating cultural relations. It is jurisprudence of culture. So far, the structure of jurisprudence of culture has been less studied. This article studies the structure of jurisprudence of culture with a descriptive and analytical method and proposes a structure for culture and its sub-branches. In the author's opinion, jurisprudence of culture has four sections: principles of jurisprudence of culture, generalities, rules of jurisprudence of culture, and issues of jurisprudence of culture, and the issues of jurisprudence of culture include six headings: beliefs, values, tendencies, behaviors, symbols, and technology. Jurisprudence of culture has at least five sub-branches with the titles of jurisprudence of art, jurisprudence of communications, jurisprudence of media, jurisprudence of space, and jurisprudence of lifestyle. Each of these jurisprudences can also have more detailed sub-branches. This research aims to explain its role in guiding social and cultural developments and highlight its capacities to respond to the needs of Islamic societies by carefully examining the structures of the jurisprudence of culture.

**Keywords:** Cultural jurisprudence, Jurisprudence of art, Jurisprudence of media, Jurisprudence of communications, Jurisprudence of cyberspace, Jurisprudence of lifestyle

---

Received: 2025/04/07  
Revised: 2025/05/03  
Accepted: 2025/05/23  
Available Online: 2025/06/07

Article Type: Research Paper  
Published by: Hazrat-e Masoumeh University  
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2060064.1041



## ساختار فقه فرهنگ\*

سید محمد رضی آصف آگاه (حسینی اشکوری)<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه فلسفه فقه و حقوق اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

رایانامه: m.asefagah@isca.ac.ir

\* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «ساختار مطلوب فقه» که در

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در حال انجام است.

### چکیده

فقه فرهنگ به‌عنوان یکی از چهار عرصه کلان فقه در کنار فقه اجتماعی، فقه سیاسی و فقه اقتصادی، به بررسی تعامل میان احکام شرعی و پدیده‌های فرهنگی می‌پردازد. این حوزه با بهره‌گیری از اصول اجتهاد، در تلاش است تا چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل و تنظیم مناسبات فرهنگی ارائه دهد. تاکنون ساختار فقه فرهنگ کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی ساختار فقه فرهنگ را مورد مطالعه قرار می‌دهد و پیشنهاد ساختاری برای فرهنگ و زیرشاخه‌های آن دارد. از نظر نویسنده، فقه فرهنگ دارای چهار بخش مبادی فقه فرهنگ، کلیات، قواعد فقه فرهنگ و مسائل فقه فرهنگ است و مسائل فقه فرهنگ شامل شش عنوان باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها، نمادها و فناوری می‌باشد. فقه فرهنگ دست‌کم دارای پنج زیرشاخه با عناوین فقه هنر، فقه ارتباطات، فقه رسانه، فقه فضای مجازی و فقه سبک زندگی است. هر یک از این فقه‌ها نیز می‌توانند زیرشاخه‌های جزئی‌تری داشته باشند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی دقیق ساختار فقه فرهنگ، نقش آن را در هدایت تحولات اجتماعی و فرهنگی تبیین کند و ظرفیت‌های آن را برای پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع اسلامی برجسته سازد.

**واژگان کلیدی:** فقه فرهنگ، فقه هنر، فقه رسانه، فقه ارتباطات، فقه فضای مجازی، فقه سبک زندگی.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۴/۰۱/۱۸	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۴/۰۲/۱۳	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۴/۰۳/۰۲	DOI:	10.22034/CJLS.2025.2060064.1041
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۴/۰۳/۱۷		

فقه فرهنگ یکی از شاخه‌های نوظهور دانش فقه است که به بررسی تعامل میان احکام شرعی و پدیده‌های فرهنگی می‌پردازد. این حوزه پژوهشی، با تکیه بر روش‌های اجتهادی، تلاش دارد چارچوبی نظری و کاربردی برای تحلیل و هدایت رفتارهای فرهنگی در جوامع اسلامی ارائه دهد. فرهنگ، به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتارهای اجتماعی، همواره تحت تأثیر عوامل مختلف تاریخی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد. از این رو، فقه فرهنگ به‌منظور حفظ هویت دینی و تنظیم مناسبات اجتماعی، باید قابلیت انطباق با تحولات روز را داشته باشد. ساختارشناسی فقه فرهنگ مستلزم بررسی دقیق عناصر تشکیل‌دهنده آن است. ساختارشناسی فقه فرهنگ از سه بخش اصلی تشکیل می‌شود:

مبانی نظری: که شامل اصول حاکم بر اجتهاد در مسائل فرهنگی و نحوه استنباط احکام شرعی مرتبط با فرهنگ است. این بخش به شناخت رابطه میان فقه و فرهنگ و نقش فقه در هدایت جوامع می‌پردازد.

۱. روش‌شناسی اجتهاد در مسائل فرهنگی: که ابزارها و فرآیندهای لازم برای استخراج و تفسیر احکام شرعی را شامل می‌شود. از روش‌های سنتی اجتهاد مانند کتاب و سنت، اجماع و عقل گرفته تا رویکردهای نوین در تحلیل مسائل فرهنگی، این بخش به ارائه مدل‌های عملی برای شناخت و ارزیابی تحولات فرهنگی می‌پردازد.

۲. کاربردها و پیامدهای فقه فرهنگ: که در آن به بررسی تأثیر احکام فقهی بر مناسبات اجتماعی و فرهنگی پرداخته می‌شود. این بخش شامل تحلیل نقش فقه در مدیریت تغییرات فرهنگی، تنظیم هنجارهای اجتماعی و حفظ اصول اخلاقی جامعه است.

تحولات فرهنگی عصر حاضر، ضرورت بازنگری در رویکردهای فقهی را بیش‌ازپیش نمایان ساخته است. جهانی‌شدن، فناوری‌های نوین ارتباطی و تغییر الگوهای زندگی، همگی از عواملی هستند که تعامل دین و فرهنگ را پیچیده‌تر کرده‌اند. در این میان، فقه فرهنگ باید بتواند پاسخی روشن و منسجم به چالش‌های نوظهور ارائه دهد و با ارائه معیارهای فقهی قابل‌اعتماد، نقش سازنده‌ای در تنظیم روابط اجتماعی ایفا کند.

بررسی ساختار فقه فرهنگ نه تنها به فهم دقیق‌تر این حوزه کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ای را برای توسعه روش‌های نوین اجتهادی فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکرد علمی و تحلیلی، ضمن ارائه چارچوبی مفهومی از ساختار فقه فرهنگ، ابعاد کاربردی آن را نیز تبیین کند.

این تحقیق بر آن است تا نشان دهد که فقه، نه تنها مقوله‌ای محدود به احکام عبادی نیست، بلکه ظرفیت بالایی برای هدایت و تنظیم مناسبات فرهنگی دارد.

فقه فرهنگ به دو جهت یکی از مهم‌ترین فقه‌های معاصر و نوین است؛ یکی به جهت اهمیت مقوله فرهنگ و دیگر اینکه یکی از چهار عرصه مهم اجتماعی است. فقه فرهنگ پیشینه چندانی ندارد و با این نام در قرون گذشته دیده نشده است. اکنون درس‌های خارج فقه فرهنگ تشکیل شده است مانند فقه فرهنگ آیت‌الله محسن اراکی و مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شده است. (طباطبایی، ۱۴۰۴، ص ۳۳-۵۶) پرسش اصلی آن است که فقه فرهنگ چه بخش‌هایی دارد و چه زیرشاخه‌هایی می‌تواند ذیل آن قرار گیرد؟

## ۱. مفهوم فرهنگ

فرهنگ دارای تعاریف گوناگونی است. رفتارگرایان، فرهنگ را شامل رفتارهایی می‌دانند که در زندگی اجتماعی مردم آمیخته و به نسل‌های دیگر منتقل می‌شود. باورگرایان مانند رونالد اینگل هارت، فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی می‌دانند که به‌طور گسترده میان مردم مشترک و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. خصلت‌گرایان مانند تایلور، فرهنگ را توانایی و مهارت‌هایی می‌داند که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند. (پایا، ۱۳۹۷، ص ۲۵-۲۶) فرهنگ از نظر نگارنده مفهومی عام و دست‌کم شامل عقاید، ارزش‌ها و رفتارها می‌باشد.

یونسکو در اعلامیه جهانی خود فرهنگ را مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و عاطفی جامعه یا یک گروه اجتماعی تعریف می‌کند. در این اعلامیه فرهنگ شامل سبک زندگی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها علاوه بر آثار خلاقانه (هنر) نیز می‌شود (اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی، ویکی‌پدیا)

برخی از اساتید حوزه، فرهنگ را تعریف کرده‌اند به: نظام پذیرفته و مقبول شایسته‌ها و ناشایسته‌ها (معروف و منکرها) در رفتارهای اختیاری فردی و اجتماعی و فردی درون اجتماعی. (اراک، ۱۳۹۶، جلسه ۲) و در تعریف نظام فرهنگی گفته‌اند: دانشی است که استنباط و الگوی رفتار فرهنگی جمعی جامعه را تبیین می‌کند. (همان) نظام فرهنگی بستر و زیرساخت سایر نظام‌ها مانند نظام سیاسی و اقتصادی است.

آیت‌الله رشاد نیز فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «طیف گسترده‌ای از بینش‌ها، منش‌ها، کشش‌ها و کنش‌های سازوار جامعه‌زاد هنجارشده‌ی بطی‌التطور معنادرز و جهت‌بخش ذهن و زندگی آدمیان که چونان طبیعت ثانوی و هویت جمعی طیفی از انسان‌ها در بازه‌ی زمانی و بستر

زمینی معینی صورت بسته باشد» (رشاد، ۱۳۹۱) فرهنگ دارای هفت حوزه فرهنگ عمومی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ دینی، فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی است. فرهنگ از مؤلفه‌های همانند آگاهی و عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و نمادها تشکیل شده است. (فعالی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸)

در نتیجه تعریف فرهنگ با تاکید بر بعد انتزاعی و با اتکاء به عناصر کلیدی فرهنگ یعنی نمادها، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها - عبارت است از «شبکه‌ای از نمادها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و دانش مشترك بين مردم يك جامعه.» (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۰)

## ۲. فقه فرهنگ

### ۱-۲. تعریف فقه فرهنگ

برخی از فقیهان در تعریف فقه فرهنگ گفته‌اند: تبیین احکام مربوط به رفتار ارادی انسان‌ها از جنبه فرهنگی در سه حوزه عقاید و باورها (فقه پندارها) بیان اظهاری (فقه گفتارها) و تعلیمی و ترویجی (فقه رفتارها) فقه فرهنگ نامیده می‌شود. (اراکي، ۱۳۹۶، جلسه ۲) فقه فرهنگ از نظر نویسنده، شاخه‌ای از علم فقه است که از ادله تفصیلی، احکام مسائل و روابط فرهنگی را استنباط می‌کند. فقه فرهنگ با فقه اخلاق و فقه اجتماع متفاوت است؛ زیرا فرهنگ ناظر به رفتارهای جمعی هویت‌بخش و قابل انتقال به نسل بعد است و بیشتر از پیدایش، اصلاح و تغییر چنین رفتارهایی (با واسطه باورها و ارزش‌ها) بحث می‌کند، اما فقه اخلاق از رفتارهای اخلاقی (فضیلت و رذیلت) بحث می‌کند و بیشتر مربوط به مستحبات و مکروهات است. فقه اجتماع ناظر به رفتارهای عام اجتماعی است.

### ۲-۲. اقسام فقه فرهنگ

فقه فرهنگ دو قسم عمده دارد: فقه فرهنگ خرد و فقه فرهنگ کلان.

تعریف فقه فرهنگ خرد: فقه فرهنگی که باید در جامعه رواج یابد و خود جامعه مسئول اجرای چنین فرهنگی است. تعریف فقه فرهنگ کلان: فقه فرهنگی که مسئول اجرای آن دولت است. قسم اول: فقه فرهنگ خرد دارای سه حوزه باور، گفتار و رفتار است و آن را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

**الف) فقه باورها و عقاید:** باورها دو گونه‌اند: باورهای اثرگذار در سرنوشت انسان مانند اعتقاد به خدا و معاد و باورهایی که اثرگذار در سرنوشت ما نیست مانند ریاضی. فقه باورها مربوط

به باورهای اثرگذار بر سرنوشت انسان است. فقه باورها، دو نوع تکلیف دارد: تکالیف عامه و تکالیف خاصه. تکالیف عامه فقه عقاید، چند تکلیف عقلی است که مسئولیت فردی و مسئولیت حکومتی می‌آورد: چهار مسئولیت فردی عبارت‌اند از: دو مسئولیت پیش‌باور ۱. مسئولیت پرسش و جست‌وجو. ۲. مسئولیت‌گزینش و سنجش عقلی و استدلالی. دو مسئولیت پس‌باور ۱. مسئولیت پذیرش و ایمان. ۳. مسئولیت عمل و ترتیب اثر. در فقه باورها، چهار آزادی بحث می‌شود:

۱. آزادی عقیده: آزادی عقیده به معنای آزادی در انتخاب عقیده بدون اظهار رفتار بر اساس آن عقیده و فقط صرف عقیده در دل و لو عقیده باطل، در دنیا بازخواست شرعی و مجازات ندارد، هر چند در آخرت هر عقیده‌ای بازخواست دارد. البته تفتیش عقاید مذهبی جایز نیست.
۲. آزادی حقوق: اگر عقیده فی‌نفسه حق باشد، قانون باید از آن پاسداری کند و هر کس می‌تواند به هر عقیده‌ای گرایش یابد، اما عقیده فی‌نفسه احترام ندارد و وابسته به محتوای عقیده دارد. عقلا بسیاری از عقاید را باطل می‌شمارند؛ لذا آزادی حق عقیده از منظر عقلا نادرست است.
۳. آزادی بیان: بیان بماهو بیان منشأ حق نیست؛ زیرا عقلا از بسیاری از بیان‌ها مانند ناسزا و دروغ نهی می‌کنند؛ پس آزادی بیان وابسته به متعلق بیان است. اگر بیان حق باشد، حق اظهار و آزادی بیان دارد.
۴. آزادی ترویج عقیده: اگر عقیده حق باشد عقلا حق ترویج و آزادی اشاعه و عمل بر طبق آن را قائل‌اند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: اگر عقیده صحت قطعی داشته باشد، سه حق دارد: حق اعتقاد، حق بیان و حق ترویج. اگر عقیده باطل قطعی باشد، حق اعتقاد، بیان و عمل ندارد. اگر عقیده مشکوک و الصحة باشد، حق اعتقاد و ترویج ندارد، اما حق بیان در حد تحقیق و تفحص دارد. (اراک، ۱۳۹۶، جلسه ۱ و ۲)

- ب) فقه گفتارها: فقه گفتارها و فقه بیان به استقرا، سیزده قسم است. این اقسام عبارت‌اند از:
۱. فقه بیان تعلیمی به معنای فقه انتقال علم (تعلیم) از کسی به دیگری. ۲. فقه بیان اظهاری به معنای فقه صرف اظهار مطلب مثل شهادت در دادگاه. ۳. فقه بیان ترویجی به معنای فقه بیانی که مقصود از آن هنجارسازی است؛ مانند فقه رسانه که ابزار هنجارسازی و ترویج است و با تعلیم یا صرف اظهار فرق دارد. ۴. فقه بیان نقدی به معنای بیان انتقاد به دیگری. ۵. فقه بیان تقلیدی. ۶. فقه بیان وعظی که در جامعه امروزی کم شده است. ۷. فقه بیان فکاهی و هزلی به معنای بیانی که

مقصود از آن به‌خنده درآوردن اشخاص است. ۸. فقه بیان حزن و رثا. ۹. فقه بیان شعری. ۱۰. فقه بیان تمثیلی و داستان‌سرایی. ۱۱. فقه بیان فخری به‌معنای افتخار کردن است. ۱۲. فقه بیان تهییجی به‌معنای به‌هیجان درآوردن مردم است. ۱۳. فقه بیان تحذیری به‌معنای بی‌زارکردن مردم از امری مثلاً در زمان پیامبر اکرم عده‌ای می‌گفتند چرا به جبهه می‌روید و کشته می‌شوید. (اراک، درس خارج ۹۸/۲/۹)

### ج) فقه رفتارها

قسم دوم: فقه فرهنگ کلان دارای حوزه‌هایی همانند ضرورت و اهمیت فقه فرهنگ، اهداف فقه فرهنگ، موضوعات فقه فرهنگ و... است.

## ۲-۳. ساختار فقه فرهنگ

برخی فقه فرهنگ را چنین دسته‌بندی کرده‌اند:

**بخش اول:** فقه نظام فرهنگی شامل: فرهنگ عمومی، خرده‌فرهنگ‌ها، تکثر فرهنگی.

**بخش دوم:** فقه نظام مدیریت فرهنگی شامل: فقه سازمان فرهنگ و فقه حکمرانی فرهنگی.

(طباطبایی، ۱۴۰۴، صص ۳۳-۵۶)

اما از نظر نویسنده ساختار منتخب فقه فرهنگ به شرح ذیل است.

**بخش اول:** مبادی و مبانی فقه فرهنگ شامل: مبادی تصویری فقه فرهنگ، مبادی تصدیقی فقه

فرهنگ، مبانی هستی‌شناختی فقه فرهنگ، مبانی انسان‌شناختی فقه فرهنگ، مبانی ارزش‌شناختی،

مبانی روش‌شناختی فقه فرهنگ، موضوع‌شناسی فقهی فرهنگ.

**بخش دوم:** کلیات فقه فرهنگ شامل: چیستی و ماهیت فقه فرهنگ، اهداف و مقاصد کلی

شریعت در حوزه فرهنگ، سیاست‌ها در حوزه فرهنگ،

**بخش سوم:** قواعد فقهی فرهنگ شامل: قواعد فقهی اثباتی و قواعد سلبی در حوزه فرهنگ.

**بخش چهارم:** مسائل فقهی فرهنگ که یک دسته‌بندی آن به‌صورت فقه فرهنگ خرد و

کلان گذشت.

بخش چهارم را بر اساس سطوح و لایه‌های فرهنگ می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. ساختار دو بخشی زیربنا و روبنا: بر اساس دو سطح اصلی فرهنگ: سطح روبنایی، مادی و

ظاهری (مانند سبک زندگی و جشن‌ها) و سطح زیربنایی، معنوی و باطنی (مانند باورها و

ارزش‌ها) می‌توان ساختار دو بخشی ذیل را طراحی کرد:

۱. بنده به مطالب بیشتری از استاد در این زمینه دست نیافتم.

بخش اول: زیربنا شامل: باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های مرتبط با فرهنگ؛

بخش دوم روبنا شامل: رفتارها، نمادها و فناوری مرتبط با فرهنگ.

۲. ساختار سه بخشی: باورها، ارزش‌ها و رفتارها. چنانکه گذشت ساختار آیت‌الله اراکی

چنین است.

۳. ساختار چهار بخشی: باورها، ارزش‌ها، رفتارها و فناوری. اولسن (Olsen) فرهنگ را

برساخته از این چهار جزء می‌داند. (چلپی، ۱۳۸۶، ص ۵۷)

۴. ساختار شش بخشی: باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها، نمادها و فناوری. برخی شش

لایه مذکور را برای فرهنگ شمرده‌اند. (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۱۹)

ساختار شش بخشی کامل‌ترین ساختار مسائل فقهی فرهنگ است؛ زیرا به تمام لایه‌ها و سطوح فرهنگ توجه دارد. بخش باورها، به جهان‌بینی فرهنگ می‌پردازد و مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و... فرهنگ را بیان می‌کند. بخش ارزش‌ها، مبانی ارزش‌شناختی و ملاک‌های داوری شایست و ناشایست فرهنگ را بیان می‌کند. بخش گرایش‌ها به تمایلات اکتسابی مرتبط با فرهنگ می‌پردازد. بخش رفتارها، احکام کنش‌ها و الگوهای رفتاری و نهادهای اجتماعی فرهنگی را بیان می‌کند. بخش نمادها، احکام نمادهای فرهنگی اعم از نمادهای کلامی مانند زبان، ادبیات، داستان، شعر، ضرب‌المثل، رسانه، موسیقی، هنر، نقالی و تعزیه و نمادهای غیرکلامی مانند معماری، طراحی مسکن و میراث فرهنگی را بیان می‌کند. بخش فناوری، احکام فناوری‌های مربوط با فرهنگ اعم از فناوری مادی (ناظر به ساخت و به‌کارگیری اشیا) و فناوری اجتماعی (ناظر به سازمان‌دهی و مدیریت) را بحث می‌کند.

### ۳. زیرشاخه‌های فقه فرهنگ

فقه فرهنگ با توجه به لایه‌های فرهنگ به‌ویژه لایه رفتار و نماد و فناوری دارای زیرشاخه‌های ذیل است: فقه هنر، فقه ارتباطات، فقه رسانه، فقه فضای مجازی و فقه سبک زندگی؛ زیرا لایه رفتار و نماد بیشتر مرتبط با هنر، ارتباطات و سبک زندگی‌اند و لایه فناوری بیشتر مرتبط با فضای مجازی و رسانه است. در ادامه فقه‌های مذکور مورد بحث قرار می‌گیرند. در تعریف یادشده از یونسکو هنر و سبک زندگی از عناصر فرهنگ شمرده شده‌اند.

### ۳-۱. فقه هنر

#### ۳-۱-۱. تعریف فقه هنر

هرچند در برخی از کتاب‌های فقهی مانند مکاسب برخی از مباحث فقه هنر مانند غنا و موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی و شعر آمده است، اما اولاً این مباحث پراکنده است و ثانیاً با رویکرد فقه هنر نگارش نیافته است.

**تعریف هنر:** اثری ساخته شده به دست بشر است که با ویژگی‌های زیباشناسانه همراه است و از مبدأ تخیل سرچشمه گرفته است (زیبایی مصنوع مخیّل) (خادمی و مسعودیان، ۱۳۹۳، ص ۱۰؛ نهاوندی، ۱۴۰۲) به این تعریف اشکال شده که زیبایی در تمام هنرها وجود ندارد مانند هنرها و نمایش‌های اعتراضی که ممکن است زیبایی ظاهری نداشته باشند. علاوه بر اینکه تفکیک میان زیبایی و نازیبایی نیاز به نظریه پردازی دارد. در جواب می‌توان گفت اولاً زیبایی ویژگی غالبی هنر است. ثانیاً زیبایی امری نسبی است؛ اثر هنری می‌تواند از نظر آفریننده زیبا باشد، هرچند از نظر مخاطب زیبا نباشد، یا بالعکس.

هنر، مجموعه‌ای از آثار یا فرایندهای ساخت انسان است که در راستای اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی، یا به منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق می‌شود (توان و مهارت خلق زیبایی) (کفشدار و جهانگیری، ۱۴۰۰، ص ۲۳)

هنرهای هفت‌گانه عبارت‌اند از: هنر اول: موسیقی (شامل آهنگسازی، نوازندگی و خواندن) هنر دوم: حرکات نمایشی (شامل هر نوع عمل بدنی، همراه با سخن، رقص و...) هنر سوم: هنرهای ترسیمی. هنر چهارم: هنرهای تجسمی (شامل هر نوع عمل تصویری بر روی جسم مانند مجسمه‌سازی، معماری، صنایع دستی و...) هنر پنجم: ادبیات (شامل شعر، داستان، نمایشنامه و نثر) هنر ششم: هنرهای نمایشی (شامل تئاتر، نمایش عروسکی، نمایش خیابانی، پانتومیم و...) هنر هفتم: سینما.

**تعریف فقه هنر:** در یک تعریف، فقه هنر احکام و ضوابط شرعی ناظر به مکلفان حقیقی و حقوقی در حوزه آفرینش، تولید، توزیع، مصرف و مخاطب اثر هنری و نیز سیاست‌گذاری، زیرساخت‌ها، معاملات و قراردادهای مربوط به اثر هنری است. (همان) در تعریف مختار، فقه هنر شاخه‌ای از علم فقه است که احکام مسائل و روابط هنری را از ادله تفصیلی استنباط می‌کند.

#### ۳-۱-۲. تفاوت فقه هنر با سایر زیرشاخه‌های فقه فرهنگ

ابتدا لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که فقه هنر، فقه رسانه و فقه ارتباطات ذیل کدام فقه کلان‌تر مانند فقه اجتماع، فقه فرهنگ، فقه سیاست و فقه حکومت قرار می‌گیرند؟

در فقه سنتی کل فقه به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم می‌شود، لذا این سه فقه ذیل معاملات جای می‌گیرند.

در فقه معاصر نیاز به بررسی است که کدام حیث از این سه فقه بر حیثیات دیگر آن‌ها برجستگی دارد؟ نویسنده معتقد است جنبه فرهنگی هنر، رسانه و ارتباطات بر سایر جنبه‌های آن‌ها ترجیح دارد. هرچند هنر، رسانه و ارتباطات جنبه اجتماعی، سیاسی، حاکمیتی نیز دارند، اما جنبه فرهنگی آن‌ها مزیت دارد؛ زیرا هنر مقوله‌ای فرهنگی است و رسانه، ارتباطات و فضای مجازی بستر فرهنگ می‌باشند.

تفاوت فقه هنر، فقه رسانه و فقه ارتباطات: هنر خنثی نیست و در درون خود انتقال معنا دارد. هرچند نگاه رسانه‌ای (رساننده پیام و معنا) به هنر می‌توان داشت، اما الزاماً هر هنری رسانه نیست. به عبارت دیگر، نمی‌توان گفت هر امر هنری چون انتقال پیام دارد رسانه است، اما می‌توان گفت در مصداق خارجی هنر می‌تواند به عنوان رسانه مطرح شود. نسبت فقه هنر با فقه ارتباطات و رسانه عموم مخصوص من وجه است.

از یک سو، رابطه میان این گونه فقه‌ها بستگی به تعریف ما از آن‌ها دارد و چون توافقی بر تعاریف این مفاهیم نیست، نمی‌توان به طور قاطع نسبت میان آن‌ها را بیان کرد. از سوی دیگر، هر یک از این مفاهیم دارای معنای عام و خاص هستند. در معنای عام (انتقال پیام) به هم نزدیک یا مساوی می‌شوند و در معنای خاص متفاوت می‌گردند. رسانه به معنای عام که سخنرانی را هم بگیرد به ارتباطات نزدیک می‌شود، اما رسانه به معنای خاص (ابزار انتقال پیام به شخص غایب) اخص از ارتباطات می‌شود؛ یعنی نسبت میان این دو عموم و خصوص مطلق است و فقه رسانه بخشی از فقه ارتباطات است.

این سه نوع فقه هرچند در مصداق می‌توانند یکی شوند، اما دست‌کم در موضوع، اهداف و مسائل تفاوت دارند.

الف) تفاوت در موضوع: موضوع فقه هنر، زیبایی مصنوع و مخیل است. موضوع فقه رسانه، نقل و انتقال پیام به وسیله وسایل ارتباطی است (ابزارهای نقل پیام) موضوع فقه ارتباطات، تسهیم معنا است.<sup>۱</sup>

ب) تفاوت در اهداف: هدف در فقه فرهنگ، کشف فرهنگ شرعی و انتقال نگرش، ارزش و

۱. ارتباط، فرایند تفهیم، تفاهم و تسهیم است. تفهیم به این معنی که طرفین بفهمند چه می‌گویند و چه می‌شنوند. تسهیم به معنای سهیم کردن دیگران در آنچه که خود دوست دارند و تفاهم به معنای توافق در آنچه به اشتراک گذاشته شده است.

کنش شرعی به جامعه و نسل‌های آینده است. هدف در فقه هنر، کشف هنر شرعی و انتقال زیبایی شرعی به مخاطب است. هدف فقه ارتباطات، کشف پیام شرعی و انتقال آن به شخص دیگر است. هدف فقه رسانه، کشف ابزار شرعی انتقال پیام و انتقال پیام به شخص غایب است. فقه رسانه احکام واسطه‌گری رسانه در انتقال پیام را بیان می‌کند.

ج) تفاوت در مسائل: چنانکه در ساختار مسائل هر یک از فقه فرهنگ، فقه هنر، فقه ارتباطات و فقه رسانه می‌آید، مسائل متفاوت زیادی در هر یک از فقه‌های یادشده موجود است.

### ۳-۱-۳. ساختار فقه هنر

**بخش اول:** مبادی و مبانی فقه هنر شامل: مبادی تصویری و تصدیقی فقه هنر، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی روش‌شناختی فقه هنر، موضوع‌بندی فقه هنر: (۱) هویت‌شناسی هنر - در مقابل ماهیت‌شناسی هنر که بحثی فلسفه‌ی هنری است - به معنای شناخت هنر از آن حیث که امری عرفی است. ۲. شناخت موضوعات هنری که از مخترعات شرعی است مانند غنا و موسیقی) روش‌شناسی فقه هنر، اخلاق و هنر

**بخش دوم:** کلیات فقه هنر شامل: چیستی و ماهیت فقه هنر، اهداف و مقاصد کلی شریعت در حوزه هنر، سیاست‌ها در حوزه هنر.

**بخش سوم:** قواعد فقهی هنر شامل: قواعد فقهی اثباتی و قواعد سلبی در حوزه هنر. قواعد عام با رویکرد کاربرد در هنر. ۲. قواعد خاص فقه هنر. ۳. تأسیس قواعد جدید در فقه هنر.

**بخش چهارم:** مسائل فقهی هنر شامل مباحثی مانند حکم فرایندهای هنری (تولید، توزیع، آموزش و...) رویه‌های هنری (الگوهای پاسخ، برنامه‌ها و رویدادهای هنری) معاملات و قراردادهای هنری، مصرف هنری، آفریننده اثر هنری و مخاطب آن.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نهانندی نظام مسائل فقه هنر و رسانه (اثر، مؤلف و مخاطب) - که مربوط به بخش چهارم می‌شود - را به شرح ذیل دسته‌بندی کرده است که می‌توان به‌نوعی ساختار فقه هنر به حساب آورد:

بخش اول: اثر هنری و رسانه

فصل اول: تبیین مفهومی نمایش شامل: ۱. پیشا تولید. ۲. تولید. ۳. نیروی انسانی (تهیه‌کننده، کارگردان، تصویربردار، گریمر، فیلمنامه‌نویس، بازیگر، روابط میان هنرپیشگان از قبیل نگاه، صحبت، گفت‌وگو و...) ۴. عوامل غیرانسانی (اکسسوار، موسیقی، تدوین، دوبله و فیلمنامه) ۵. مسائل پس از تولید (مسائل مرتبط با پخش، مسائل کلی و مسائل مخاطبان)

فصل دوم: طراحی و شناسایی مسائل مرتبط با موسیقی نمایش شامل: سؤالات کلی، نمایش ساز، حوزه مکان و زمان پخش، حوزه سازبندی و گونه موسیقی به حوزه خواننده، به کارگیری چهره‌های موسیقایی، برنامه‌سازی آموزش موسیقی و حوزه شعر و کلام.

فصل سوم: مسائل مرتبط با فضای مجازی شامل: معاملات در فضای مجازی، اختیارات در بیع مجازی، فروش فیلترشکن، خرید و فروش اکانت، بازی‌های آنلاین، کسب درآمد از راه‌هاک و سرقت اطلاعات، رعایت نکردن حق مالکیت معنوی و قانون کپی‌رایت و...

بخش دوم: نظام مسائل مؤلف هنری و رسانه‌ای (تولیدکننده و سازنده آثار هنری و رسانه) شامل: بازیگری، فیلم، تئاتر، صنایع دستی، هنرهای تزئینی، موسیقی، ادبیات، معماری، تصویر، نقاشی، گرافیک، عکس، مجسمه، عروسک، پویانمایی، رسانه، فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای.

بخش سوم: مخاطب هنری و رسانه‌ای شامل: مسائل ناظر به بازیگری و مالکیت او، فیلم و تئاتر و مالکیت آن و... (نهادندی، ۱۳۹۹، ص ۵-۱۳)

### ۳-۲. فقه ارتباطات

#### ۳-۲-۱. تعریف فقه ارتباطات

در اینکه فقه ارتباطات، فقه رسانه و فقه فضای مجازی فقه مستقل‌اند و یا اینکه ذیل فقه هنر قرار دارند، می‌توان دو دیدگاه مطرح کرد:

دیدگاه اول: فقه‌های غیرمستقل: برای عدم استقلال این فقه‌ها می‌توان وجوهی شمرد: ۱. ابزار انتقال پیام: هنر نوعی پیام است که با ابزار منتقل می‌شود. فقه‌های مذکور ابزار انتقال پیام هستند. ۲. در یک نگاه، ابزارهای ارتباطی و ابزارهای نوین فضای مجازی و رسانه، فناوری هنر به حساب می‌آیند؛ از این رو ذیل فقه هنر قرار می‌گیرند؛ اما چنانکه گذشت چنین نسبتی میان مقولات چهارگانه با در نظر گرفتن معنای خاص این مقولات است و در معنای عام، چنانکه در دیدگاه دوم می‌آید این مقولات مستقل‌اند.

دیدگاه دوم: فقه‌های مستقل: رابطه چهار مقوله هنر، رسانه، ارتباطات و فضای مجازی عموم و خصوص من وجه هستند و به واسطه ماده افتراق خود، می‌توانند فقه مستقل محسوب آیند. بر اساس نظریه ذات‌گرایی، هر یک از مقوله‌های بالا ذات منحصر به فرد خود دارند و بر اساس نظریه اقتضای‌گرایی، هر یک از مقوله‌های یادشده می‌توانند به اقتضای محتوای خود مستقل به حساب آیند. چنانکه گذشت این‌گونه فقه‌ها در موضوع، اهداف و مسائل با هم متفاوت‌اند؛ بدین جهت فقه مستقل‌اند.

تعریف فقه ارتباطات: شاخه‌ای از علم فقه است که احکام تبادل معلومات و اطلاع‌رسانی در

نهاد جامعه را از ادله تفصیلی استنباط می‌کند.

**اقسام فقه ارتباطات:** فقه ارتباطات دو قسم کلان دارد: فقه ارتباطات خرد و فقه ارتباطات کلان زیرشاخه‌های فقه ارتباطات خرد: الف) حقوق ارتباطات: شامل مالکیت ارتباطات، قابل معامله و خرید و فروش بودن اطلاعات. ب. احکام تکلیفی ارتباطات: ۱. به لحاظ اصل تبادل اطلاعات: وجوب یا حرمت تبادل نوع اخبار. ۲. به لحاظ موضوع: شامل حکم اطلاعات سوابق شخصی، خانوار، نهادها و شخصیت‌ها. ۳. به لحاظ انواع اطلاع‌رسانی: شامل اطلاع‌رسانی ساده، خبری، تعلیمی، تربیتی، ترویجی، هیجانی، تشویقی، تخویفی (پخش اطلاعات به منظور ایجاد ترس عمومی) تجسسی و هجومی (که جلوی اطلاع‌رسانی را می‌گیرد و نوعی ضد اطلاع‌رسانی است)

زیرشاخه‌های فقه ارتباطات کلان: ۱. ضرورت و اهمیت فقه ارتباطات. ۲. امنیت ارتباطات. ۳. استراتژی ارتباطات (اهداف نظام ارتباطات، موضوعات ارتباطات، مخاطبان و شیوه‌های ارتباطی) ۴. سلامت ارتباطات. ۵. کنترل اطلاعات و آزادی اطلاعات. ۶. جرائم ارتباطات. ۷. جنگ ارتباطات. ۸. تخریب ارتباطات (حد جواز تخریب سیستم اطلاعاتی) (اراکی، بی‌تا)

### ۳-۲-۲. ساختار فقه ارتباطات

**بخش اول: مبادی و مبانی فقه ارتباطات شامل:** مبادی تصویری و تصدیقی فقه ارتباطات، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی روش‌شناختی فقه ارتباطات، موضوع‌شناسی فقهی ارتباطات.

**بخش دوم: کلیات فقه ارتباطات شامل:** اهداف و مقاصد کلی شریعت در حوزه ارتباطات، سیاست‌ها در حوزه ارتباطات.

**بخش سوم: قواعد فقهی ارتباطات شامل:** قواعد فقهی اثباتی و قواعد سلبی در حوزه ارتباطات. قواعدی مانند قاعده حرمت اهانت به محترمان، قاعده تعظیم شعائر اسلامی، قاعده تقیه، قاعده حرمت اعانه بر اثر، قاعده لاضرر و لاضرار، قاعده حرمت اختلال نظام، قاعده ولایت فقیه، قاعده عدالت، قاعده مصلحت، قاعده اهم و مهم، قاعده نفی سبیل. (حسینی، ۱۳۹۶)

**بخش چهارم: مسائل فقهی ارتباطات شامل جهانگردی، صنعت توریسم، آیین‌های مذهبی و...**

۱. یک نوع دسته‌بندی مسائل فقه ارتباطات با عنوان فقه ارتباطات خرد و کلان در اقسام فقه ارتباطات گذشت.

## ۳-۳. فقه رسانه

## ۳-۳-۱. تعریف فقه رسانه

رسانه<sup>۱</sup> اسم آلت از مصدر رساندن است (رابط بین دو چیز) و به معنای نقل و انتقال پیام برای پیام‌گیرنده از طریق وسایل پیام‌رسان مانند روزنامه، ماهواره، اینترنت و... رسانه جمعی، وسیله ارتباط جمعی)

**تعریف رسانه:** رسانه تعاریف مختلفی دارد ولی در اصطلاح، وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه است و واسطه عینی یا عملی در فرایند برقراری ارتباط است. رسانه ابزار انتقال پیام به مخاطب است بدون آنکه با مخاطب چهره به چهره شود (کاربر و پیام‌گیرنده غایب است) لذا اطلاق رسانه بر منبر و مجالس مخاطب تسامح است. (قانع، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۷۷)

برخی به واسطه ارتباط تنگاتنگ رسانه و ارتباطات، این دورا در کنار هم آورده و فقه رسانه و ارتباطات نامیده‌اند؛ زیرا در فقه رسانه، صرفاً به ابزار کار نداریم، بلکه به فراگرد ارتباط کار داریم که از ده جز تشکیل شده و عبارت‌اند از فرستنده پیام، گیرنده پیام، مفهوم ذهنی پیام، نماد عینی پیام، وسایل و مجاری ارسال پیام، فرایند دریافت و سبک پیام، تبدیل پیام به مفهوم ذهنی، ادراک پیام، عوامل ایجاد اختلال در پیام و بازخورد پیام.

رسانه در یک تقسیم به شش حوزه تقسیم می‌شود:

۱. رسانه‌های نوشتاری مثل مطبوعات، کتاب‌ها و مجلات.
  ۲. رسانه‌های شنیداری مثل رادیو.
  ۳. رسانه‌های دیداری مثل تلویزیون و سینما.
  ۴. رسانه‌های تلفیقی مانند اینترنت.
  ۵. رسانه‌های ابزاری مثل اعلامیه، تابلو اعلانات و پوستر.
  ۶. رسانه‌های نهادی مثل روابط عمومی‌ها و بنیادهای سینمایی.
  ۷. رسانه‌های فرا نهادی مثل خبرگزاری‌ها، شرکت‌های چندملیتی و شبکه‌های ماهواره‌ای.
- (نهادندی، ۱۳۹۸، ص ۲۱ به نقل از کلیفورد جی)

**نظریه‌های رسانه:** نظریه‌های بسیاری (حدود ۱۲ نظریه) درباره رسانه است که در این میان

سه نظریه مشهورتر است:

نظریه اول: ابزارگرایی: رسانه صرفاً وسیله انتقال پیام از مبدأ به مقصد است. رسانه خنثی و ظرف است و هر پیام خوب یا بدی را منتقل می‌کند.

نظریه دوم: ذات‌گرایی: رسانه ذات منحصربه‌فرد دارد. پست من می‌گوید ذات رسانه و ارتباطات جدید نمی‌تواند امر مقدس را منعکس کند؛ زیرا جهت‌گیری آن تعالی انسان نیست. نظریه سوم: اقتضاگرایی: نه ذات‌گرایی و نه ابزارگرایی صرف بلکه به اقتضای ساحت محتوا و مدیریت رسانه چگونگی رسانه مشخص می‌شود.

استنباط در فقه رسانه بر مبنای نظریات رسانه صورت می‌گیرد.

**تعریف فقه رسانه:** برخی از دانشوران فقه، فقه رسانه را تعریف کرده‌اند به: قواعد و مقررات الهی الزامی در به‌کارگیری رسانه. (تائب، ۱۳۹۲، ص ۲۰؛ قانع، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۷۸) برخی دیگر در تعریف اجمالی رسانه گفته‌اند تفقه و استنباط احکام دستوری شرعی و بررسی قواعد و مقررات الهی و تعیین تکلیف مکلفان فردی و نهادی در فرایند تبادل پیام و اطلاعات از طریق ابزارهای رسانه‌ای در سطح خرد و کلان (نهادندی، ۱۳۹۸، ص ۲۱)

در تعریف مختار، فقه رسانه شاخه‌ای از علم فقه است که احکام مسائل و روابط رسانه‌ای را از ادله تفصیلی استنباط می‌کند.

در فقه رسانه، از میان ده فراگرد یادشده به دنبال بحث در مورد چهار مؤلفه فراگرد ارتباط هستیم؛ یعنی فرستنده پیام، گیرنده پیام، خود پیام و ابزار انتقال پیام.

### ۳-۳-۲. ساختار فقه رسانه

**بخش اول:** مبادی و مبانی فقه هنر شامل: مبادی تصویری و تصدیقی فقه رسانه، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی روش‌شناختی فقه رسانه، موضوع‌شناسی فقهی رسانه و...

**بخش دوم:** کلیات فقه هنر شامل: چیستی و ماهیت رسانه، اهداف و مقاصد کلی شریعت در حوزه رسانه، سیاست‌ها در حوزه رسانه.

**بخش سوم:** قواعد فقهی رسانه شامل: قواعد فقهی اثباتی و قواعد سلبی در حوزه رسانه.

**بخش چهارم:** مسائل فقهی رسانه شامل: فقه محتوا و پیام رسانه مانند خدعه، اطلاع‌رسانی، نشر اکاذیب و شایعه‌پراکنی، اشاعه فحشا، شهادت، ارتداد، قمار، ترویج سحر، مناظره و...

**بخش پنجم:** فقه رفتار و پدیده‌های رسانه‌ای شامل تأسیس و تولید فناوری رسانه، تشبه به جنس مخالف، موسیقی و غنا، رقص و...

برخی ساختار فقه رسانه را چنین بیان کرده‌اند: ۱. مدیریت و برنامه‌ریزی رسانه شامل: وجوب تأسیس رسانه، لزوم برنامه‌ریزی رسانه، مدیر رسانه. ۲. حکم محتوای رسانه شامل: کذب، مبالغه، توریه، تهمت (بهتان، افک، قذف، افترا و...) ۳. زن در رسانه. (طائب، ۱۳۹۲) اما چنانکه گذشت فقه رسانه مباحث دیگری نیز دارد.

### ۳-۴. فقه فضای مجازی

#### ۳-۴-۱. تعریف فقه فضای مجازی

سایبر به همه محیط‌هایی اشاره دارد که اساس فعالیت آن‌ها بر مبنای پردازش است و طبق سامانه صفر و یک کار می‌کند. (زندى، ۱۳۹۳، ص ۲۰) ویلیام گبسون اصطلاح فضای مجازی<sup>۱</sup> را به کار برد و مراد فضای تخیلی است که از طریق اتصال رایانه و پیوند انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی با یکدیگر در جهان پدید آمده است. (کفشدار و جهانگیری، ۱۴۰۰، ص ۲۳) فضای مجازی دارای پنج لایه خدمات، محتوا، کاربر، زیرساخت و حاکمیت است. (موسویان، ۱۳۹۶، ص ۲۵) چهار احتمال در سنخ رسانه و فضای مجازی مطرح است:

احتمال اول: رسانه و فضای مجازی از سنخ هنر است؛ زیرا رسانه و فضای مجازی عینیت‌بخش به مفاهیم هنری در خارج است.

احتمال دوم: رسانه و فضای مجازی از سنخ ارتباطات است؛ زیرا رسانه پیامی است که از گوینده به گیرنده توسط ابزار خاص منتقل می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله محسن اراکی، شهید تاوانی، حجت‌الاسلام والمسلمین سعید رضا عاملی و بخش عمده‌ای از متخصصان سواد رسانه قائل‌اند رسانه از سنخ ارتباطات است.

احتمال سوم: رسانه و فضای مجازی از سنخ فناوری است؛ زیرا رسانه و فضای مجازی پدیده فناوری است که گونه‌ای از نیازهای ارتباطی و غیر ارتباطی انسان را فراهم می‌آورد.

احتمال چهارم: رسانه و فضای مجازی چند سنخی‌اند. برخی قائل‌اند رسانه و فضای مجازی امری مرکب از هنر، ارتباطات و فناوری است؛ زیرا رسانه و فضای مجازی در دل خودش هم هنر دارد، هم نوعی ارتباط است و هم یک پدیده فناوری است. (کفشدار و جهانگیری، ۱۴۰۰، ص ۹۲-۹۴)

#### ارزیابی

رسانه از سنخ هنر نیست؛ زیرا هنر از اعراض و از مقوله کیف است و رسانه و فضای مجازی (در تعریف خاص آن) ذات و جوهر و ابزار است؛ لذا کسی نگفته رسانه از سنخ هنر است.

1. cyber space یا virtual space.

رسانه و فضای مجازی از سنخ ارتباط نیز نیست؛ زیرا ارتباط قائم به ذات نیست و از اعراض است، اما رسانه و فضای مجازی ابزار و قائم به ذات است.

حقیقت رسانه و فضای مجازی جوهر و ابزار فناورانه است، نه عرض؛ لذا رسانه و فضای مجازی از سنخ هنر و ارتباطات نیست، اما از آنجاکه هدف در رسانه و فضای مجازی برقراری ارتباط مناسب و انتقال پیام است، رسانه و فضای مجازی به اعتبار هدف، ذیل ارتباطات می‌تواند قرار گیرد.

به بیان دیگر، رسانه و فضای مجازی به معنای خاص (ابزار و محیط انتقال پیام) به اعتبار موضوع ذیل فناوری قرار دارد و به اعتبار هدف ذیل ارتباطات قرار می‌گیرد؛ چون وسیله ارتباطی است، اما به معنای عام (فراگرد ارتباط) نوعی از ارتباط می‌شود و ذیل فقه ارتباطات قرار می‌گیرد. در هر صورت از آنجاکه تقسیم علوم و مطالعات علمی بیشتر بر پایه غرض است؛ پس فقه رسانه و فضای مجازی ذیل فقه ارتباطات می‌تواند جای گیرد.

اگر ارتباطات را هر نوع ارتباط بگیریم (معنای عام) رسانه و فضای مجازی به اعتبار ابزار و محیط ارتباطی، ذیل ارتباطات جای دارد، اما اگر ارتباطات را ارتباط غیر فناورانه (معنای خاص) بدانیم و رسانه و فضای مجازی را ابزار و محیط ارتباط فناورانه بدانیم اخص از ارتباطات شده و به اعتبار این معنای اخص می‌تواند جدای از ارتباطات در نظر گرفته شود.

**تعریف فقه فضای مجازی:** شاخه‌ای از علم فقه است که احکام مسائل و روابط در بستر فضای مجازی را از ادله تفصیلی استنباط می‌کند.

فقه فضای مجازی دارای پنج رکن است و عبارت‌اند از: ۱. فضا. انواع فضا: فضای شخصی، فضای خصوصی و فضای عمومی. ۲. محتوا. ۳. هدف از ارتباط (نوع ارتباط) اهداف ارتباط عبارت‌اند از: اطلاع‌رسانی، تعلیم، فضاسازی، ترویج و وعظ. ۴. شیوه ارتباط. ۵. ابزار ارتباط (فقه ابزار شامل: تولید جزئی و کلی، چگونگی عرضه نرم‌افزار و بهره‌گیری از سخت‌افزار و نرم‌افزار) (اراک، ۱۳۹۵)

### ۳-۴-۲. ساختار فقه فضای مجازی

**بخش اول:** مبادی و مبانی فقه فضای مجازی شامل: مبادی تصویری فقه فضای مجازی، مبادی تصدیقی فقه فضای مجازی، مبانی هستی‌شناختی فقه فضای مجازی، مبانی انسان‌شناختی فقه فضای مجازی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی روش‌شناختی فقه فضای مجازی، موضوع‌شناسی فقهی فضای مجازی، موضوع‌شناسی مسائل مربوط به انسان در مواجهه با فضای مجازی.

**بخش دوم:** کلیات فقه فضای مجازی شامل: اهداف و مقاصد کلی شریعت در حوزه فضای مجازی، سیاست‌ها در حوزه فضای مجازی.

**بخش سوم:** قواعد فقهی فضای مجازی شامل: قواعد فقهی اثباتی و قواعد سلبی در حوزه فضای مجازی.

**بخش چهارم:** مسائل فقهی فضای مجازی شامل: مسائل فقهی امنیت و فضای مجازی، مسائل فقهی تبلیغات تجاری و غیرتجاری در فضای مجازی، مسائل فقهی سیاست و فضای مجازی، مسائل فقهی فرهنگ و فضای مجازی، مسائل فقهی خبررسانی در فضای مجازی، فقه الاخلاق و فضای مجازی، فقه جنسیت، مسائل فقهی فعالیت‌های فنی در فضای مجازی، مسائل فقهی اقتصاد و فضای مجازی، حقوق و قضا در فضای مجازی (حسنی، ۱۳۹۸، ص ۵-۶)

### ۳-۵. فقه سبک زندگی

#### ۳-۵-۱. تعریف فقه سبک زندگی

تعریف سبک زندگی: الگویی نظام‌مند از عناصر عینی و خارجی زندگی است که نمایانگر سلیقه افراد (ترجیحات شخصی) بر اساس گرایش‌ها، نگرش‌ها و باورهای او است که سبب هویت بخشی فردی و اجتماعی می‌شود. عناصر این تعریف عبارت‌اند از: نظام‌مندی، عینیت، سلیقه، دورنمایی امور درونی و هویت بخشی. (بوسلیکی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۴۱)

در تعریف دیگر سبک زندگی الگوی کنش‌های روزمره معطوف به مصرف و تولید فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند، می‌باشد.<sup>۱</sup> بنا بر تعریف مذکور اولاً سبک زندگی، الگوی کنش‌های روزمره است، ثانیاً سبک زندگی انتخابی است، ثالث سبک زندگی باینکه در سطح گروه هم قابل تحلیل است، اما در اصل، ویژگی افراد است و رابعاً روشی برای ابراز هویت است. (حسنی، ۱۳۹۶، ص ۴۱)

دست‌کم سه نوع سبک زندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داریم. سبک زندگی اقتصادی معطوف به تولید و مصرف کالاهای مادی از قبیل نوع وسیله نقلیه است. سبک زندگی اجتماعی به پیوندهای اجتماعی از قبیل ازدواج و تعامل با خویشاوندان مربوط است. سبک زندگی فرهنگی نیز به مصرف و تولید محتوای نمادین اشاره دارد. سبک زندگی فرهنگی نسبت به سبک زندگی مادی و

۱. فرهنگ، شبکه‌ای از معانی مشترک بین مردم یک جامعه است. خرده فرهنگ به ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های مشترک بین اعضای یک گروه. سبک زندگی فرهنگی، الگوی کنش‌های روزمره معطوف به مصرف و تولید محتوای نمادین است که افراد را از هم متمایز می‌کند. (حسنی، ۱۳۹۶، ص ۴۱)

اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در واقع سبک‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی به دلیل وجه نمادینشان، شکل‌هایی از سبک‌های زندگی فرهنگی‌اند. (همان)

برای ساختار بندی فقه سبک زندگی لازم است ابتدا عرصه‌های سبک زندگی را شناخت تا بر پایه آن سبک زندگی را ساختار بندی کرد. ابعاد، عرصه‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی را می‌توان به روش‌های گوناگونی دسته‌بندی کرد. به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

دسته‌بندی اول: اقسام اصلی روابط:

۱. روابط اولیه (خوردن، پوشیدن و مسکن)
۲. روابط ثانویه (روابط انسانی، نگرش‌ها و بینش‌ها)

دسته‌بندی دوم: ابعاد سبک زندگی:

۱. بینش‌ها (ادراک و معتقدات) نگرش‌ها و عقاید
۲. گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات) علاقه‌مندی‌ها
۳. کنش‌ها و رفتارها

دسته‌بندی سوم:

۱. رفتارها: رفتارهای درونی (روابط ثانویه یا ذهنی یعنی بینش‌ها (عقاید) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و علاقه‌مندی‌ها) و رفتارهای بیرونی (روابط اولیه یا عینی: خوراک، پوشاک، مسکن) البته اگر سبک زندگی را فقط ناظر به جنبه‌های عینی و خارجی زندگی بدانیم، رفتارهای درونی ریشه‌ها و پایه‌های سبک زندگی می‌باشند، نه خود سبک زندگی.
۲. وضع‌ها و موقعیت‌های اجتماعی (عادات، شغل، اوقات فراغت)
۳. دارایی‌ها (اموال و سرمایه‌ها) است

دسته‌بندی چهارم:

۱. فعالیت‌ها (شامل فعالیت‌های شخصی، فامیلی و اجتماعی)
  ۲. دارایی‌ها و اموال (شامل دارایی‌های شخصی، خانوادگی و گروهی)
  ۳. جایگاه و موقعیت‌های اجتماعی (وضع‌ها)
- دسته‌بندی پنجم: ۱. کسب‌وکار ۲. زیبایی و بهداشت ۳. تفریح و سرگرمی ۴. سکس ۵. پوشش و مد ۶. تغذیه ۷. ورزش و سلامت ۸. عبادت و خودسازی<sup>۱</sup>.

۱. شورای فرهنگ عمومی عرصه‌های زندگی ایرانیان را تقسیم کرده است و سید میز معزالدین حسینی در فرهنگستان.

به این دو مراجعه شود.

## دسته‌بندی ششم:

۱. درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری. ۲. مُد، پوشش و آرایش. ۳. خانه‌داری و خانه‌آرایی. ۴.
- معماری و طراحی داخلی. ۵. بهداشت بدن و روان. ۶. سفر، ماجراجویی و گردشگری. ۷.
- خوراک و آشپزی. ۸. خرید. ۹. بازی و سرگرمی. ۱۰. کاربری رسانه. ۱۱. تندرستی و بدن‌سازی
- (ورزش) ۱۲. هنر (موسیقی، سینما و...). ۱۳. دوستی و دوست‌یابی. ۱۴. کار و کاریابی. ۱۵. فرزند
- داری و پرورش کودکان. ۱۶. زندگی شهری (همسایگی، رفت‌وآمد و...) (خراسانی و عزیزی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۰-۲۶۱)

## دسته‌بندی هفتم:

۱. کسب‌وکار و مشاغل.
۲. سلامت و بهداشت تغذیه و ورزش
۳. تفریح و سرگرمی اوقات فراغت
۴. پوشش و مد و مدیریت بدن
۵. آداب‌ورسوم و مناسک
۶. کالاهای مصرفی
۷. روابط افراد (روابط خانوادگی همسری، فرزندان، همسایه،

## دسته‌بندی هشتم:

- پوشش و آرایش
- تغذیه
- وسایل زینتی و لوازم‌التحریر
- الگوی مسکن‌سازی، مسکن‌گزینی و خانه‌آرایی
- الگوی رفتار با فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات (موبایل، اینترنت و...) به‌عنوان ابزار فضای مجازی
- مناسک مذهبی
- رسانه‌ها
- الگوی اندیشه‌ورزی و دانش‌اندوزی
- الگوی ترافیک
- الگوی رفتار مالی (درآمد، مصرف و ثروت‌اندوزی)
- معاشرت

- تفریح و اوقات فراغت

- الگوی بهداشت و سلامت (چارچوب‌های اقدام در میز سبک زندگی، ۱۳۹۴)

جدول عرصه‌های سبک زندگی

ردیف	عرصه‌ها (کلان موضوعات)	مصادیقی از ریز موضوعات
۱	کار و اشتغال	اخلاق کار، محیط شغلی، تکدی گری، مشاغل کاذب و...
۲	تحصیل و آموزش	علم‌آموزی، علم‌گریزی، شیوه تحصیل، تحصیل مجازی و...
۳	تفریح و سرگرمی	گردشگری، مسافرت، دوست‌یابی، فضای مجازی، استفاده از کالاهای فرهنگی و...
۴	مسکن	کاشانه نشینی، دکوراسیون، معماری منزل و...
۵	سلامت و تغذیه	فست‌فودخوری، طب سنتی، مشروبات الکلی، کم‌تحرکی، اعتیاد، بیماری‌ها و...
۶	آرایش و پوشش	مدیریت بدن (تناسب‌اندام، مانکنیسم، زیبایی اندام، جراحی‌های زیبایی) حجاب، مدگرایی، حد پوشش، برند گرایی و...
۷	عبادت و مناسک	عبادات جمعی، مسجد، هیئت، دین‌گریزی، زیارت و...
۸	آیین‌ها	عید نوروز، چهارشنبه‌سوری و...
۹	معاشرت (خانوادگی، اجتماعی)	روابط زناشویی، صلح‌رحم، ارتباطات اجتماعی، ارتباط با همسایه و...
۱۰	مشارکت اجتماعی	شرکت در راهپیمایی، شرکت در تجمعات اعتراضی، هویت‌های جمعی، آیین‌های جمعی و...
۱۱	محیط زندگی	قانون‌گریزی، پرخاشگری اجتماعی، زندگی شهری و روستایی، رفتار با محیط‌زیست و...

## ۵-۳-۲. ساختار فقه سبک زندگی

### ساختار اول فقه سبک زندگی

این ساختار بر اساس شانزده مؤلفه سبک زندگی به شرح ذیل چینش شده است:

۱. مدیریت احساس و غریزه (خویشتن‌داری، امیدواری، عفت، آرامش، اعتمادبه‌نفس، تواضع و...)
۲. ارتباط و اتکای معنوی (دعا، توبه و استغفار، ذکر، استخاره، مدل جامع (نماز) آداب مرگ، زیارت، اخلاص و...)
۳. تغذیه و پرورش جسم (خوراک اصلی، ریزمغذی‌ها، عرق‌ها و مکمل‌ها، سبک پخت، بهداشت بدن، وزن قد، ورزش و بدن‌سازی، مواد نیرو ساز، دارو، نوشیدنی‌های الکلی و...)
۴. آراستگی و پوشش (لباس مناسب، خرید لباس، بهداشت و زیبایی مو، بهداشت و زیبایی صورت و دست‌ها، عطر و ادکلن، زینت و...)
۵. استراحت و تفریح (خواب، آرام‌بخش‌ها، سرگرمی، بازی، تفریح، گردش و مسافرت و...)
۶. معاشرت و دوستی (صله‌رحم، همسایه‌داری، دوست‌یابی، ارتباط با جنس مخالف، آداب معاشرت، جاذبه و تأثیرگذاری، حفظ آبرو (ترک غیبت، سخن‌چینی، تهمت و...) فروتنی و دوری از تکبر، احسان و انفاق، ارتباط با اقلیت‌های مذهبی و...)
۷. مدیریت هزینه و مصرف (استفاده از لوازم منزل، مصرف خوراک و پوشاک، خرید مناسب، اسراف، برکت، مصارف شرعی و قانونی (خمس، زکات و مالیات) و...)
۸. خانه‌آرایی (ساختمان‌سازی، نشمین و پذیرایی، آشپزخانه، اتاق خواب، اتاق بچه، اتاق کار، توالت و حمام و...)
۹. ازدواج و (مراسم و آداب خواستگاری و عقد، دوران عقد، آداب آمیزش، ارتباط با خانواده همسر. زنان: نقش زن در خانه، زن جذاب و دوست‌داشتنی. مردان: اشتغال و تحصیل زن، مهارت‌های جنسی، ارتباط عاطفی و...)
۱۰. زندگی شهری و فعالیت اجتماعی (ترافیک، حقوق شهروندی، قانون‌گرایی، مشارکت مدنی و سیاسی، گسترش علم، گسترش عاطفه، آداب امر به معروف و نهی از منکر، وقف و...)
۱۱. پدر و مادر (جایگاه پدر و مادر، ارتباط فرزندان با پدر و مادر، پدر و مادر سالمند، پدر و مادر معنوی و...)
۱۲. فرزندان (جایگاه فرزندان، ارتباط پدر و مادر با فرزندان، بهداشت و تغذیه کودک، فرزندان طلاق و...)

۱۳. دید و شنود (بهداشت شنیداری، آواز و موسیقی، بهداشت دیداری، تماشای تلویزیون و سینما، تماشای عکس و نقاشی)
۱۴. کسب‌وکار (کسب درآمد، تولید و بهره‌وری، مدیریت محیط کار، روابط انسانی، قناعت، انصاف و...)
۱۵. علم و تحصیل (دانستی‌های لازم، یادگیری، تحصیلات دانشگاهی، کنکور، آداب تحصیل و تدریس و...)
۱۶. طبیعت و استفاده از آن (پرورش گل و گیاه، گردش طبیعت، حفظ محیط‌زیست، نگهداری حیوانات، زراعت و درختکاری و...) (خراسانی و عزیزی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۲-۲۶۳)

### ساختار دوم فقه سبک زندگی

این ساختار بر پایه سیزده عرصه سبک زندگی طراحی شده و عبارت است از:

۱. بهداشت عصبی و روحی (حس آرامش، امیدواری، دوستی باخدا، هیجان‌های مثبت و منفی و...)
۲. بهداشت جسمی (مدیریت غرایز جنسی، بهداشت پوست و مو، تقویت اعصاب (ورزش، خواب و تغذیه) مصرف مواد آرامش‌بخش و انرژی‌زا و...)
۳. پوشش و مُد (حیا و عفاف، مُد و زیبایی، پوشش اسلامی، آرایش سالم و ایرانی و...)
۴. تفریح و سرگرمی (تفریح سالم و خلاقانه، سرگرمی‌های مدرن، تفریح در شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های قمار و...)
۵. معاشرت و ارتباط دوستی (توانایی ارتباط با دیگران، اخلاق و آداب معاشرت، دوستی با جنس مخالف، معاشرت مجازی و...)
۶. تغذیه و رژیم (تغذیه سالم، رژیم پاک‌سازی جسم، غذا و نوشیدنی‌های مغذی و کیفی، تغذیه ممنوع و مضر، آشپزی آسان، آشپزی ایرانی و...)
۷. اقتصاد خانواده (مدیریت مصرف، مدیریت انتخاب کالا، برنامه‌ریزی اقتصادی در خانواده، کسب درآمد حلال و...)
۸. خانه و خانه‌داری (طراحی و چینش آرایه‌گری داخلی، نظم، شلختگی و تمیزی در خانه، ایمنی در خانه، مدیریت نگهدار لوازم منزل و...)
۹. همسرمداری (رابطه جنسی، اقتدار و انعطاف همسران، صمیمیت، انس و دوری از بیگانگی، رشد معنوی و...)

۱۰. زندگی شهری (آپارتمان نشینی، روابط همسایگی، نوع معماری، فرهنگ ترافیک و...)
۱۱. والدین و فرزندان (رابطه دل بستگی و همدلی، تربیت دینی فرزندان، رابطه مقتدرانه و متواضعانه، ارتباط غیرکلامی و...)
۱۲. ارتباطات و رسانه (کارکرد روانی و اخلاقی اینترنت، سینما، تلویزیون و...)
۱۳. سبک مدیریت (مدیریت جهادی و غربی، توسعه، اخلاق کار و...) (خراسانی و عزیزی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۴-۲۷۰)

### ارزیابی

در حقیقت دو دسته بندی بالا بیشتر تبویب فقهی سبک زندگی می باشد که ذیل عرصه های سبک زندگی دسته بندی شده اند.

### ساختار سوم فقه سبک زندگی

**بخش اول:** مبادی و مبانی فقه سبک زندگی شامل: مبادی تصویری فقه سبک زندگی، مبادی تصدیقی فقه سبک زندگی، مبانی هستی شناختی فقه سبک زندگی، مبانی انسان شناختی فقه سبک زندگی، مبانی ارزش شناختی سبک زندگی، مبانی روش شناختی فقه سبک زندگی، موضوع شناسی فقهی سبک زندگی.

**بخش دوم:** کلیات فقه سبک زندگی شامل: اهداف و مقاصد کلی شریعت در حوزه ی سبک زندگی، سیاست ها در حوزه ی فقه سبک زندگی.

**بخش سوم:** قواعد فقهی سبک زندگی شامل: قواعد فقهی اثباتی و قواعد سلبی در حوزه ی سبک زندگی.

### بخش چهارم:

مسائل فقهی فضای مجازی شامل پنج فصل:

فصل اول: بینش شامل: الگوی اندیشه ورزی و دانش آموزی (آموزش و تحصیل)

فصل دوم: گرایش شامل: مدیریت احساس و غریزه.

فصل سوم: کنش و فعالیت ها شامل: مناسک و آداب و رسوم (عبادت و خودسازی) پوشش (مد) و آرایش، الگوی مسکن و خانه داری، معماری و طراحی داخلی، بهداشت و سلامت و ورزش، تفریح و سرگرمی (اوقات فراغت، سفر و گردشگری) تغذیه (خوراک و آشپزی) هنر و رسانه (موسیقی و سینما و...) مشارکت اجتماعی و زندگی شهری (همسایگی، رفت و آمد و...) روابط خانوادگی (خانه داری، فرزندداری و...) و..

فصل چهارم: جایگاه و موقعیت اجتماعی.

فصل پنجم: کسب‌وکار و مشاغل (درآمد، مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری) در ساختار بندی فقه بر اساس سبک زندگی، فقیه استنباطات فقهی خود را در قالب و مدل سبک زندگی ارائه می‌دهد، نه آنکه چنین خود از روایات را بیان کند. همان‌طور که در اجتهاد علمی، فقیه محصول استنباط خود را در فقه استدلالی بیان و محصول آن را به‌عنوان فتوا در فقه فتوایی بیان می‌کند، در اجتهاد فرهنگی نیز فقیه محصول استنباط خود را در قالب توضیح الم سائل فرهنگی در قالب سبک زندگی بیان می‌کند.

سبک زندگی اسلامی همان‌طور که فرای بیان روایات فرهنگی است، همین‌طور فرای بیان احکام است. بیان احکام فرهنگی زمینه تشکیل سبک زندگی را فراهم می‌کند لذا آن را در قالب ساختار سبک زندگی می‌توان ارائه کرد تا بهتر اجرایی شود و زودتر ارزش‌های فرهنگی در جامعه به الگو تبدیل و سبک زندگی اسلامی به وقوع بپیوندد. (خراسانی و عزیزی، ۱۳۹۷)

رابطه سبک زندگی با فقه فرهنگ: فقه از علوم اسلامی است که معارف اسلامی را تولید می‌کند. این معارف می‌تواند رویکردی فرهنگی داشته باشد و الگوهای فرهنگی را تولید کند. الگوهای فرهنگی بر سبک زندگی مردم اثر می‌گذارد. سبک زندگی مدلی شبکه‌وار است که بینش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های بالادستی را در متن زندگی عینیت می‌بخشد. علوم اسلامی، معارف اسلامی را تولید می‌کند. معارف اسلامی بر فرهنگ اثر می‌گذارد و فرهنگ اسلامی بر سبک زندگی اسلامی تأثیر دارد. (همان)

## نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. فقه فرهنگ شاخه‌ای از علم فقه است که از ادله تفصیلی، احکام مسائل و روابط فرهنگی را استنباط می‌کند.
۲. فقه فرهنگ دارای چهار بخش اصلی است: مبادی فقه فرهنگ، کلیات فقه فرهنگ، قواعد فقه فرهنگ و مسائل فقه فرهنگ.
۳. مسائل فقه فرهنگ شامل شش مبحث باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها، نمادها و فناوری است.
۴. فقه فرهنگ دست‌کم دارای پنج زیرشاخه با عناوین فقه هنر، فقه ارتباطات، فقه رسانه، فقه فضای مجازی و فقه سبک زندگی است؛ هنر مقوله‌ای فرهنگی است و رسانه، ارتباطات و فضای مجازی بستر فرهنگ می‌باشند. هر یک از این فقه‌ها نیز می‌توانند زیرشاخه‌های جزئی‌تری داشته باشند.
۵. نسبت فقه هنر با فقه ارتباطات و رسانه عموم و خصوص من‌وجه است. این سه نوع فقه هرچند در مصداق می‌توانند یکی شوند، اما دست‌کم در موضوع، اهداف و مسائل تفاوت دارند.

## منابع

۱. اراکی، محسن (۱۳۹۶). درس خارج، جلسه ۲.
۲. اراکی، محسن (۱۳۹۵). فقه نظام اقتصادی اسلامی، مجمع الفکر، شبکه اجتهاد.
۳. اراکی، محسن (بی تا). همایش فقه ارتباطات. دفتر تبلیغات اسلامی، شبکه اجتهاد.
۴. افروغ، عماد (۱۳۷۹). فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، تهران: نشر فرهنگ و دانش.
۵. الهی خراسانی، علی و عزیزی، علیرضا (۱۳۹۷). سبک زندگی مفهوم شناسی و نظریه ها، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۶. بوسلیکی (۱۳۹۳). مجموعه مقالات سبک و سیره اهل بیت در عرصه جامعه سازی (جلد ۲)، مجمع جهانی اهل بیت.
۷. بی نا (۱۳۹۴). چارچوب های اقدام در میز سبک زندگی (ویراست پنجم).
۸. پایا، علی (۱۳۸۸). فناوری، فرهنگ و اخلاق، تهران: انتشارات فرهنگ هنر و ارتباطات.
۹. چلیپی، مسعود (۱۳۸۶). جامعه شناسی نظم (چاپ چهارم)، تهران: نشر نی.
۱۰. حسینی، ابوالحسن (۱۳۹۸). نظام موضوعات فقه فضای مجازی (نسخه اول)، تهران: دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی پژوهشکده فضای مجازی.
۱۱. حسینی، محمدحسین؛ ذکایی، محمد سعید؛ طالبی، ابوتراب و انتظاری، علی (۱۳۹۶). مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه پژوهی فرهنگی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۳-۴۴.
۱۲. حسینی، سید علی (۱۳۹۶). قواعد فقهی فرهنگ و ارتباطات، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۱۳. خادمی، حمیدرضا و مسعودیان، سید مسعود (۱۳۹۳). هنر دینی از منظر علامه جوادی آملی. مجله حکمت اسراء، ش ۲۱.
۱۴. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۹۴). چارچوب های اقدام در میز سبک زندگی (ویراست پنجم).
۱۵. رشاد، علی اکبر (۱۳۹۱). مدرسه فقاہت، درس خارج فلسفه فرهنگ، عنوان درس: نقدهای وارده بر تعریف مختار.  
[https://sath3.eshia.ir/feqh/archive/text/rashad/falsafeh\\_farhang/90/910317](https://sath3.eshia.ir/feqh/archive/text/rashad/falsafeh_farhang/90/910317)
۱۶. زندی، محمد رضا (۱۳۹۳). تحقیقات مقدماتی در جرایم سایبری، تهران: جنگل.
۱۷. طائب، مهدی (۱۳۹۲). فقه رسانه، قم: خبرگزاری رسا و تسنیم اندیشه.

۱۸. طباطبایی، سید محمد (۱۴۰۱). بررسی مناطق تقسیم ابواب و روش‌شناسی فقه فرهنگی در مناسبات با «فقه نظام» فصلنامه علمی - پژوهشی فقه نظام ساز، دوره ۱، شماره ۴، صص ۳۳-۵۶.
۱۹. فعالی، محمدتقی (۱۳۹۶). مبانی سبک زندگی اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
۲۰. قانع، احمد علی (۱۳۹۸). گفتارهایی در فقه فرهنگ و ارتباطات (جلد ۲)، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۲۱. کفشدار، احسان الله و جهانگیری، محسن (۱۴۰۰). فقه فضای مجازی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی،
۲۲. موسویان، سید مرتضی (۱۳۹۶). ساماندهی محتوای فضای مجازی، تهران: نشر آمه قلم.
۲۳. نهاوندی، علی (۱۳۹۹). فقه هنر و رسانه (۱). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام).
۲۴. نهاوندی، علی (۱۳۹۸). مجموعه گفتارهای فقه رسانه و ارتباطات، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. نهاوندی، علی (۱۴۰۲). گفتگو با شبکه اجتهاد ۱۴۰۲/۵/۲۶



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی